

نگاهی به کتاب «قلب زمین مال ماست»؛ روایتی مستند از عملیات والفجرمقدماتی

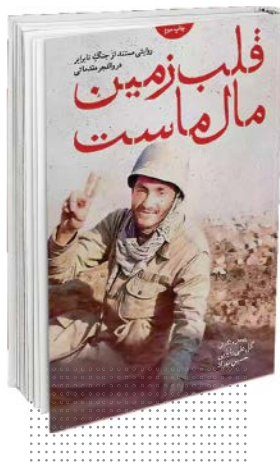
مظلومیت شیربچه‌های بسیجی

و جاماندن پیکرها در کانال کمیل، سپهر را سر ذوق آورد و همان جا یکی از اشعار شورآفرین و ماندگارش را سرود. شاید برای تان شیرین باشد که بدانید گلی بابایی اسم این کتاب را از آن سروده دلنشین وام گرفته است. تصاویر و نقشه‌های ضمیمه شده به انتهای کتاب هم به خوبی گویاسازی شده‌اند تا خواننده با اشتیاق بالاتری عکس‌های مانده از تاریخ را تماشا کند. اصولاً نوشتن شرح مختصر برای عکس‌ها یکی از معیارهای ارزشمندی در تاریخ‌نگاری محسوب شود.

عاشق فکه می‌شوید

این اثر در چارچوب مستندنگاری و با تکیه بر اسناد مکتوب و نوارهای باقیمانده از دوران دفاع مقدس، به پرسش‌هایی همچون «چرا والفجر برگزار شد؟» و «چرا به پیروزی نرسید؟» پاسخ می‌دهد. علاوه بر آن، کسانی که کتاب قلب زمین مال ماست را بخوانند، عاشق فکه می‌شوند؛ آن هم نه فقط به خاطر شهدای گمنام تفحص شده در آنجا. هدف آقای گل‌علی بابایی هم از نوشتن این کتاب همین بوده که زائران فکه با اشراف بیشتری راهی آن دیار شوند. ما باید بدانیم که چه کسانی، چرا و چگونه در فکه جنگیدند. ما باید بفهمیم که ریشه پیروزی‌ها و شکست‌هایمان چیست. ما باید از تاریخ درس بگیریم و این همان اصل ماجراست.

به این نکته هم باید اشاره کنیم که او خودش در عملیات حاضر بوده و با مظلومیت بچه رزمنده‌ها در بهمن‌ماه ۶۱ غریبه نیست. سردار بابایی خودش می‌گوید قلب زمین مال ماست، روایت مظلومیت شیربچه‌های بسیجی در رملستان‌های فکه است. حرف آخر این‌که، فکه را همین ایستادگی در اوج مظلومیت مقدس کرده است.



قلب زمین مال

ماست، روایتی

روان و شفاف که

خواننده‌اش را در

۲۱ فصل با وقایع،

نتایج و حقایق یک

جنگ نابرابر آشنا

می‌کند

ضربانگ هیجانی

با این‌که شرایط جنگ به نفع ما نیست ولی نویسنده نمی‌گذارد آب توی دل خواننده تکان بخورد و از چیزی بترسد؛ نه از لو رفتن عملیات توسط یک نفوذی و نه از زمین‌گیر شدن نیروهای خودی. ضربانگ هیجانی و پرکشش کتاب در فصل‌های بعدی به اوج می‌رسد و یکی از گروهان‌های گردان کمیل در کانال سوم‌گیر می‌افتد. قلم گل‌علی بابایی به خوبی از پس روایت آن لحظات نفس‌گیر برآمده است. مرور اسناد و خاطره‌ها رازهای عملیات والفجر را برملا می‌کند و ما اطلاعات خوبی از میدان نظامی و فضای سیاسی آن دوران به دست می‌آوریم. خیلی طول نمی‌کشد که روزهای محاصره کمیل یکی یکی می‌گذرد و یعنی ها کانال را به آتش می‌کشند. امان از دل محمود ثابت‌نیا که هر چه زد به در بسته خورد و نتوانست گردانش را از جنگ دشمن در بیاورد. در نهایت والفجر مقدماتی بدون فتح و دستاورد خاصی به پایان می‌رسد. نویسنده در پایان کتاب، علل و ریشه‌های عدم‌الفتح یا همان شکست را با ارائه مستندات به جا مانده از آن روزها، واکاوی می‌کند.

مثل همیشه؛ حسین بهزاد

قلب زمین مال ماست، زمستان ۱۴۰۱ توسط نشر ۲۷ بعثت چاپ و منتشر شد و تا زمان نگارش این یادداشت به چاپ سوم رسیده است. روی جلد در کنار نام گل‌علی بابایی مثل همیشه اسم حسین بهزاد هم به چشم می‌خورد. بهزاد معمولاً در مسیر پژوهش و تعیین مسیر روایت با اسناد بابایی همکاری می‌کند.

این کتاب ۲۸۰ صفحه‌ای، پیش از ورود به بخش نقشه‌ها و تصاویر یک فصل جذاب و متفاوت هم دارد. سال ۱۳۸۲ شاعر سینه‌سوخته کشورمان، مرحوم ابوالفضل سپهر با کاروانی از رزمنده‌های عملیات والفجر راهی فکه می‌شود. شنیدن رشادت‌ها، تاته خط ایستادن‌ها، شکل شهادت‌ها



حمید بناء

نویسنده و

منتقد ادبی

فکه یکی از یادمان‌های مشهور جبهه جنوب در استان خوزستان محسوب می‌شود که محبوبیت بالایی بین زائران راهیان نور دارد. شاید شما خواننده محترم این یادداشت هم تجربه سفر به آنجا را داشته باشید. فکه را خیلی‌ها با مقتل شهید آوینی و محل تفحص شهدای گمنام و رمل‌های خاطره‌دارش می‌شناسند ولی اصل ماجرا چیز دیگری است. همین اصل ماجرا استاد گل‌علی بابایی را به این تصمیم رساند که کتاب «قلب زمین مال ماست» را بنویسد و حالا ما هم برای روشن‌تر شدن اصل ماجرا تصمیم گرفتیم اثر ارزنده ایشان را در قفسه کتاب معرفی کنیم.

دشواری نبرد در رمل‌ها

قلب زمین مال ماست، یک روایت مستند از عملیات والفجر مقدماتی است. روایتی روان و شفاف که خواننده‌اش را در ۲۱ فصل با وقایع، نتایج و حقایق یک جنگ نابرابر آشنا می‌کند. فصل‌بندی این کتاب یکی از نقاط قوت آن به شمار می‌رود. گل‌علی بابایی بازیری که ما را به فکه سال ۱۳۶۱ می‌برد و می‌اندازد وسط عملیاتی که قرار بود سرنوشت جنگ را مشخص کند. در فصل‌های نخست ما با دشواری نبرد در رمل‌های منطقه آشنا می‌شویم و می‌فهمیم که چرا و چگونه. در ادامه آقای نویسنده دست‌مان را می‌گیرد و با بچه‌های باصفای لشکر ۲۷ محمد رسول... (ص) به نقطه‌هایی عملیات می‌رویم. در فصل هشتم رأس ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه هفدهم بهمن‌ماه، محسن رضایی پشت بی‌سیم فرمان آغاز عملیات را صادر می‌کند و نیروهای لشکر با هدایت محمدابراهیم همت، فرمانده سپاه ۱۱ قدر و علی فضلی فرمانده وقت لشکر ۲۷ می‌زنند به دل دشمن.

فرامرز

چند خط درباره کتاب «آدم‌خواران»

دهانش پر بود از او

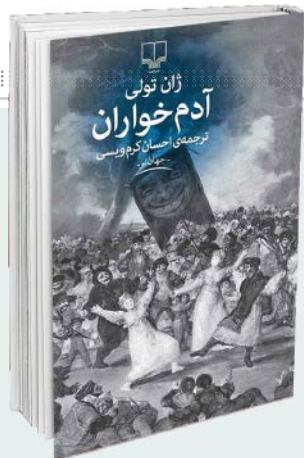
الهام اشرفی

ویراستار

و منتقد ادبی

«جنون در گروه‌ها، رایج‌تر از افراد است.» این جمله منتسب به نیچه، شاید ماحصل درون‌مایه هولناک این کتاب باشد.

بین اهالی کتاب و کتاب‌خوان، خیلی وقت‌ها پرسش‌هایی از این دست رد و بدل می‌شود که «عاشقانه‌ترین کتابی که خواندی، کدام بوده؟» یا «ترسناک‌ترین کتابی که خواندی، کدام بوده؟» پاسخ من به این پرسش دومی همیشه کتاب «آدم‌خواران» اثر ژان تولی است. رمان روایت یک جوان فرانسوی است که تازه از جنگ به روستای زادگاهش برگشته و در آن روستا به سمت معاون شهردار انتخاب می‌شود. جوان در یک روز عادی در سال ۱۸۷۰ به سوی روستای رود تا در جشنی که در روستا برپا شده شرکت کند، ولی به خاطر یک سوءتفاهم اهالی روستا با او از در دشمنی وارد می‌شوند و تا شب و در تناقضی عجیب و طنزگونه، طنزی سیاه، میان مراسم جشن و شادی اهالی، تحت تعقیب قرار می‌گیرد و بعد زندانی می‌شود و کم‌کم او را می‌سوزانند و حتی برخی تکه‌هایی از او را می‌خورند! ترسناکی



باورنکردنی ختم می‌شود؛ تراژدی که از یاد نمی‌رود. ژان تولی در این کتاب به تقدس افراطی انسانی می‌پردازد؛ او در قالب داستانی سرراست، با نقاشی‌ها و کشیدن نقشه

آن روستا که داستان را باورپذیرتر می‌کند؛ آن چنان ذات وحشی انسان‌ها را زیر سؤال می‌برد که خواننده تا آخر عمر فراموش نمی‌کند. انسانی که بسیار دیده‌ایم اغلب روی لبه تیز خشم و مهر، نفرت و عشق، انسانیت و وحشیگری راه می‌رود؛ گاه در کسوت یک انسان مهربان دست مهر بر سر کودکان می‌کشد و گاه تفنگ به دست به کشتار نظامیان و غیرنظامیان و زن و بچه می‌پردازد. رمان با نظرگاه سوم شخص محدود به ذهن آلن نوشته شده است. نویسنده در اول هر فصل با تعیین جایگاه آلن در روی نقشه روستا، روایتش را محکم‌تر می‌کند؛ طوری که در ادامه و با دیدن نقشه اضطراب خواننده بیشتر می‌شود. رمان ترجمه خوب و ویرایش تمیزی دارد و از طرف نشر چشمه منتشر شده است که در یک نشست می‌توان آن را خواند و می‌خکوب شد.

درون‌مایه این ماجرا در این است که ماجرا «براساس واقعیت» است. در علوم اجتماعی به این پدیده «ترس بزرگ» می‌گویند؛ حالتی از اضطراب و وحشت جمعی که منجر به بروز احساساتی بدوی در انسان‌ها می‌شود. بروز این خشونت‌های رفتاری در تماشای مسابقات فوتبال بسیار متداول است که ناگهان در اثر جرقه‌ای کوچک، به طور جمعی شروع به فحش دادن می‌کنند و دست به تخریب ورزشگاه و بعد خودروهای پارکینگ ورزشگاه می‌زنند. نمونه دیگر این نوع رفتار جمعی در جنگ جهانی دوم رخ داد که به واقعه هولوکاست منجر شد و در نهایت اغلب آنها در هیچ دادگاهی آن‌طور که شایسته اعمال‌شان بود، مجازات نشدند، چرا که آنها یک جمع بودند که فقط از دستورات اطاعت کرده بودند؛ این رفتارها اغلب از سر خشمی نهفته، فقر، ناآگاهی، گرسنگی مادی و معنوی سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل همه روان‌شناسان، از مسئولان یک کشور خواستار ایجاد محیطی شاد و کم‌دغدغه و آرام در یک اجتماع هستند.

ژان تولی نویسنده‌ای است که پیش از «آدم‌خواران» با کتاب «مغازه خودکشی» در ایران معروف شد. او درون‌مایه‌های داستانی‌اش را با طنز آمیخته می‌کند و بعد در نهایت روایت به تراژدی